

# نحوه رفتار با جوانان در معرض اعتیاد

(قسمت پایانی)

جمال مهاجر - مریوان

طبقه جوان است، هر چند در طبقات سنی دیگر هم مشهود است اما از دو بعد مای توأمیم به آن نگاه کنیم. یک بعد آن این است که اگر دوستی با معیارها و رعایت حدود آن برقرار شود، در تکامل روحی آنان بسیار تأثیرگذار خواهد بود، اما خدای نخواستگه اگر با موازین غیر قابل قبولی این دوستی شکل بگیرد نه تنها نیازهای عاطفی را تأمین نخواهد کرد بلکه راه را برای سقوط اخلاقی هموار می‌سازد.

راستی! همنشینی با کسی که دوستش داری، به تنهایی کافی نیست بلکه این معیار مهم است که آیا او هم در عین دوستی، کمال شما را نیز می‌خواهد. برای پیدا کردن دوست خیر خواه، باید او را در بوتۀ آزمایش قرار داد. مع الاسف پدیده اعتیاد عمدتاً از این کانال، به صورت عادت تمام زوایای زندگی افراد را در بر گرفته است، وقتی مشخص نشود که دوست، مثبت‌اندیش است یا خیر، می‌توان احتمال بدخواهی را برای او صادر کرد. با وجود این اگر علاقه دوستان افراطی و غیر عاقلانه باشد، اوضاع از همین که هست وخیم‌تر خواهد شد. هیچ الزامی نیست که دوستان همه چیز را از هم دریافت کنند، خوب است که هر فردی روی باید‌ها و نباید‌های خود نیز حساس باشد، تا دچار سردرگمی نشود. به محض اینکه تشخیص داده شد که دوست ما باطن باطلی دارد باید بدون فوت وقت او را ترک کرد.

جواب این ترک دوست را پروین اعتصامی چه جالب به نظم درآورده است، بعضی از ابیات او در ارتباط به همنشین بد نقل می‌شود:

آب نالید، وقت جوشیدن  
کاوخ از رنج دیگ و جور شرار  
از چه شد بختم، اینچنین وارون  
از چه شد کارم، این چنین دشوار  
راز گفتم ولی کسی نشنید  
سوختم زار و ناله کردم زار

## بازگشت به سوی خالق هستی بخش

به گواهی تاریخ و تمامی نیکخواهان، بینش مذهبی توانسته است بازدارنده انسان از هر عمل خلاف شئون انسانی باشد و مشوق به راه صلاح.

تمام راهها در بوتۀ آزمایش قرار گرفت، اما هیچکدام درمان قطعی به حساب نیامدند، آخرین راه حل برای رهایی از دردهای ساخته خود بشر، همین اصول دینی غیر بشری هستند که شفابخش دردهای روانی و اخلاقی انسان معاصر است.

حفظ کرامت، تعالی روح، عزت نفس، خدامحوری، جلوگیری از انحطاط و ... از دستاوردهای این بینش خدایی است. اگر بر اساس آمار، دور از هر جانبداری افراطی، حسابرسی کنیم به این نتیجه می‌رسیم که درصد بسیار زیاد پاکان و دوستان مردم را دینداران تشکیل می‌دهند و عکس این قضیه هم صادق است. به گفته یکی از دانشمندان، کافی است که انسان دیندار نباشد، هر کاری را می‌تواند به فعلیت برساند، چون هیچ مانعی در برابر او نیست.

این مهم، هم التزام آور است و هم تعهد آور؛ در دین است که کارهای انسان روی ضوابط خاصی به تعادل می‌رسد. همین دو مقوله التزام و تعهد کافی است تا بازگشت به دین را لازم بشماریم و در کنار عوامل پیشگیرانه دیگر، تکیه گاهی محکم و قطعی محسوب می‌شود.

## تجدید نظر در دوست یابی و دوری از همنشین بد

از دیدگاه روان شناسان، دوستان بیشترین تأثیر را از هم می‌پذیرند. منش و رفتار هر کدام از دوستان، در کوتاه مدت و بدون هیچ تعلیمی به دوستان دیگر منتقل می‌شود، در اعماق دل هم نفوذ می‌کنند و زمینه پذیرش و تحمل برایشان فراهم می‌شود.

اصل دوست یابی و نیاز به همنشین امور غیر اکتسابی هستند و نیاز شدید عاطفی جوانان خیلی زیاد است و غالباً مربوط به

فرهنگی، تفرج گاههایی نیز احداث شود، مزید برعلت خواهد شد و انگیزه جوانان برای حضور دوچندان خواهد شد و جوان، غالب انرژی و پتانسیل های خدادادی خود را در این راه صرف می کند و چه بسا از هر کدام از آنها نایغه ای تربیت شود. و اگر معتادی در سال ۱۰ نفر را گرفتار می کند، نایغه هم اگر به همان اندازه اصلاح کند، بسیار پربار و مقرون به صرفه خواهد بود. اگر به صورت پروژه ملی مطرح شود و دولتمردان همت کنند، سرعت عمل زودتری به خود خواهد گرفت.

در چنین جاهایی اگر به پرورش جوانان پرداخته شود و الگوهای والا تعریف شوند، بالطبع از این الگوها تأسی می کنند و جوانان زندگیشان را با بزرگمردان تاریخ ادب، فرهنگ و دین وفق خواهند داد و الگوهای صادق را از کاذب باز خواهند شناخت. بانیان فرهنگ جامعه باید بدانند، ما این الگوها را به وفور داریم و دیگران از آن سرمایه عظیم محرومند؛ پس چرا به الگوسازی در فرهنگ خودمان کمتر توجه داریم. نیک خواهان و منصفان واقفند که پیامبران و بزرگان دین، الگوی کامل و جامع به حساب می آیند و اما ممکن است که بعضی در شرایطی نباشند که درک کافی از پیشوایان دین داشته باشند، پس برای این طیف از مردم می شود الگوهای قابل دسترسی را معرفی کرد. چه بسا ورزشکاران متعهد می توانند اسوه مورد پذیرش برای قشری از طبقات جامعه باشند، با عنایت به این که موجب لاقیدی نشود.

#### سوق دادن جوانان به ورزش و روحیه جوانمردی

ورزش را نباید فوت وقت تلقی کرد یا فقط ابزاری دانست برای پر کردن اوقات دانش آموزان یا ساعاتی که معلم در کلاس حاضر نیست با ورزش آن را جبران کرد که طبعاً موجب بدآموزی می شود. اگر دین، چگونه زیستن را به انسان می آموزد، ورزش، هنر زیبا زیستن را به جوان می آموزد که از شاهکارهای خلقت محسوب می شود. عشق به زیباییها، گاهی اوقات در بعضی از جنبه ها، در ورزش تبلور پیدا می کند و چه خوب است ورزش و هنر را

هر چه بر قدر خلق افزودم  
خود شدم در نتیجه بی مقدار  
از من اندوخت طرف باغ، صفا  
رونق از من گرفت فصل بهار  
رستنیها تمام طفل منند  
از گل و خار و سرو و بید و چنار  
من، به یک جا، دمی نمی ماندم  
ماندم اکنون چون نقش بر دیوار  
من که بودم پزشک بیماران  
آخر کار، خود شدم بیمار  
آتشم همنشین و دود ندیدم  
شعله ام همدم و شرارم یار  
زین چنین روز، داشت باید ننگ  
زین چنین کار داشت باید عار  
آخر، این آتشم بخار کند  
به هوای عدم، روم ناچار  
آخر، این آتشم، از آنکه دشمن تست  
طمع دوستی و لطف مدار  
همنشین کسی که مست هوی است  
نشد، ای دوست، مردم هوشیار  
هر که در شوره زار کشت کند  
نبود از کار خویش، برخوردار  
هر کجا آتش است سوختن است  
این نصیحت، بگوش جان سپار  
گرت اندیشه ای ز بدنامی است  
منشین با رفیق ناهموار  
عاقلان از دکان مهره فروش  
نخریدند لؤلؤ شهبوار  
سالکان را چه کار با دیوان  
طوطیان را چه کار با مردار

#### جلب توجه جوانان به الگوها

معرفی الگوها، و به نام هر یکی از این الگوها مؤسسه فرهنگی ایجاد و عضوگیری از جوانان بعمل آید. همان بودجه های کلانی که صرف مبارزه با مواد مخدر می شود، اگر بخشی از بودجه به این قسمت تخصیص داده شود، قطعاً جوانان شیفته چنین مکان هایی خواهند شد و اگر در کنار این تأسیسات

☑ اگر به پرورش جوانان پرداخته شود و الگوهای والا تعریف شوند، بالطبع از این الگوها تأسی می کنند و جوانان زندگیشان را با بزرگمردان تاریخ ادب، فرهنگ و دین وفق خواهند داد و الگوهای صادق را از کاذب باز خواهند شناخت.

از لحاظ اهمیت، بدون تردید رتبه اول را حائز است. اگر این محیط سالم نگهداری شود، زمینه بسیار مساعدی است برای رفتن به سوی مراحل کمال، خصوصاً اگر جوان احساس پرامنی از این محیط داشته باشد، هیچگاه مأمن دیگری نخواهد پسندید و با پدر و مادر، زندگی کردن را بر هر جایی ترجیح می دهد. اما اگر چنین نباشد، جوان ناکام دنبال مکانی دیگر می گردد، هر چند می داند که از مکانت خوبی برخوردار نیست. حال این مکان عارضی محتملاً فتنه انگیز و بلاخیز خواهد بود و لغزشها در حد و فور در آن پدیدار خواهد گشت و جای تأسف است که خانواده که طبیعی ترین راه برای حیات زودگذر دنیا به حساب می آید اما چنین حق طبیعی از جوان گرفته می شود و به تیره روزی دچار می شود، راستی چرا والدین به خود نمی آیند و چاره ای نمی اندیشند و با ایجاد محیط ناآرام، راه را بر دلبندان خود می بندند. هر جایی ناامن بود به خانه پناه می آوردند اما امروز از خانه می گریزند و به جای ناامن پناه می برند جایی که در آن هزار بلا خیزد، بله بجای ناامن!

✓ راستی  
چرا والدین  
به خود  
نمی آیند و  
چاره ای  
نمی اندیشند  
و با ایجاد  
محیط  
ناآرام، راه  
را بر  
دلبندان خود  
می بندند.

#### یادآوری پیشینه ملی و افتخار آفرینی قهرمانان در عرصه های مختلف

هر ملت و قومی رابطه ناگسستنی با پیشینیان و نیاکان گذشته خود دارد و هر نسلی در پیوند با نسل های هم طراز خود است، زیرا نوعی ملازمت و قرابت با هم دارند که این ملازمت معمولاً در اموری است که ماندگار و در تاریخ جاری و ساری بوده است و همچنان علی الدوام در جریان است و در این میان طبقات خاص، قیادت و زعامت مردم را عهده دار بوده اند و بعضاً افتخار آفرین نیز شده اند. هر قومی خصایلی برای خودش محفوظ می داند.

از جمله اقوامی که در این رابطه سابقه دیرینه ای دارد و از فرهنگ غنی و تمدن درخشان و مدنیت مقبول برخوردار بوده و هست، اقوام ایرانی هستند که در مناطق جغرافیایی مختلف می زیند. همه در تاریخ خوانده اند یا به آن اذعان دارند که این قوم، نجیب ترین و بی شائبه ترین در میان سایرین بوده اند و ارزشهایی که بدان پایبند بوده اند از آن چشم پوشی

دو ابزار کمال یاب بدانیم. وقتی با این نگرش در صحنه هنر و ورزش حضور پیدا بکنیم، زیباییها، زیباتر تعریف می شوند و جوانمردی هم به قلمرو آن افزوده می شود؛ صفتی که در قدیم الایام آدمیان به آن افتخار می کردند و افتخار، خلق می کردند. جوانمردی، مردم داری و نفی ظلم و دفاع از ستمدیده، نفی خمودگی و گوشه گیری را در ضمن خودش دارد که ما با این قسمت می توانیم به زندگیمان حیاتی نو ببخشیم، یعنی «له» مردم باشیم نه «علیه» آنان که این صفت حسنه چنین روحیه ای را به ما می آموزد. اما جوانمرد، در این دوران تعریف دیگری نیز پیدا کرده است، اگر در گذشته در میدانها پهلوانی می کردند و احیاناً حق مظلوم را از ظالم می ستاند، امروزه می تواند رسالت دیگری نیز داشته باشد. امروزه جان مایوس و نا امید را نجات می دهند و به طرف خود جلب می کنند، مگر نه این است که هم نوع دوستی، ما را به این کار ملزم می کند.

#### اشتغال برای جوانان

هر چند در ریشه کنی اعتیاد، حکومت و مردم با هم سهیم هستند، اما در این قسمت خطاب بیشتر به حکومت اسلامی است که با تصمیمات همه جانبه و در نظر گرفتن توانمندیها و استعداد جوانان، زمینه بکارگیری آنان را مهیا سازد. البته نباید، یکسویه به اشتغال نگاه کرد و مخالف آن را بیکاری دانست. بر اساس این تعریف محدود، اشتغال وسیله ای از سر ترحم است که جوانان را قانع می سازد و مدتی آنان را از فکر فساد باز می دارد. بلکه اشتغال ایجاد امنیت و اقدام به آبادانی و ترویج صلاح است و طبیعی است وقتی چنین شود، ذهن با هیچ موادی تخدیر نخواهد شد. البته در مورد اینکه بیکاری تا چه اندازه علت اعتیاد است، قبلاً بحث شده است.

#### رفع اختلافات خانوادگی

طبق اصولی از روان شناسی که در دسترس می باشد و اسلام هم روی آن تأکید دارد، خانواده محیط دوم زندگی آدمی است، البته نه از حیث اهمیت بلکه از جهت شکل گیری تربیت آدمی، اما

نمی کردند و به سادگی آنها را به فنا نمی سپردند؛ غیرت، عزت، تکیه بر نیروهای خود، آزادگی، جوانمردی و همنوع دوستی از جمله این ارزشها بوده است.

اگر واقعاً معتادانی در میان این قوم باشند برخلاف غیرت و عزت و سایر خصایل نیک آنان است. همگان قوم ما را بر این همه خصایل می ستایند، پس به چه مجوزی و به چه پیشینه ای آنان خود را از این همه خصیصه مثبت محروم می کنند.

### مبارزه با بزهکاری و اعمال فساد

در کنار مبارزه با اعتیاد، باید به از بین بردن بزهکاری و جرمهای دیگر نیز فکر کرد. زیرا که پدیده اعتیاد در کنار سایر جرمها و خطاهای دیگر، پدیدار می شود. جامعه ای که میزان ارتکاب جرم در آن به حداقل رسیده باشد به صورت نسبی می توان در مورد اعتیاد هم به حداقل قایل شد، البته این موازنه همیشه یکسان نیست.

### پرهیز از مقدمات و پیش زمینه های اعتیاد

کسی که الان لفظ معتاد بر او اطلاق می شود، اینگونه نبوده است که در آن واحد به این درجه رسیده باشد، بلکه قانون استدراج بر او حاکم شده است؛ ابتدا به سیگار تشویق شده است، بعد سیگار را مصرف کرده است، سپس سیگار را به وفور مصرف کرده است و در نهایت از این ماده خفیف که خودش اعتیاد آور است، اشباع نشده است و در ادامه مسیر به موادمخدر رسیده است، آن هم با درجات مختلف؛ در این مرحله هم اینگونه نبوده است که علی الفور از خانه و فرزندان بریده یا اینکه کم وزن شده باشد، ابتدا انگیزه مصرف در او به وجود آمده است، سپس آزمایشی و تفتنی دود کرده است بعد به این شدت وحدت رسیده که مهارناپذیر شده است.

### انتشار نشریه ها و مجلات و روزنامه ها

### و ایجاد فرهنگ نفرت از اعتیاد

از عناوین برجسته نشریات برای نصب در مدارس

✓ **جامعه ای که میزان ارتکاب جرم در آن به حداقل رسیده باشد به صورتی نسبی می توان در مورد اعتیاد هم به حداقل قایل شد، البته این موازنه همیشه یکسان نیست.**

استفاده شود، تا در ذهن جوانان نهادینه شود و یاد بگیرند که کار بدی است و عامل از هم پاشیدگی نظام سالم اجتماعی است.

در صورت امکان یارانه ای به این روزنامه ها تعلق بگیرد تا خوانندگان بیشتری را جذب کنند، البته مراد روزنامه هایی است که بیشتر جوان پسند است، چون اولین قربانی جوانان هستند. در حال حاضر روزنامه های ورزشی را برای این روش می پسندم چون «هم فال است، هم تماشا».

### ایجاد زمینه های خودباوری جوانان

می توان با تشکیل محافل علمی در هر شهرستان با حضور اساتید اهل فن، و دعوت از جوانان برای حضور در همایش و درخواست از آنها برای تهیه مقاله به این مهم پرداخت.

ذهن کنجکاو جوان به فکر واداشته می شود و برای وی سوژه ای می شود برای پرداختن به دنیای اطراف خود و در این میان، توجه او جلب می شود به دنیای اندرون خود و به مراتب پیچیده تر از دنیای آفاق، و خودش می تواند به جواب اولین سؤال خود، از طریق منابع معتبر برسد و با حضور در محافل، خودش را باور می کند و فردی با اعتماد می شود برای حضور در میان جامعه؛ وقتی جوان به حس اعتماد برسد هرگز به اعتیاد نخواهد رسید، زیرا اولین قدم برای رسیدن به اعتیاد سلب اعتماد از خود است. و هم اینکه جوان می فهمد که به او میدان و بها داده شده است. از طرف دیگر، اهل فن اطلاعات لازم را در اختیار آنان قرار می دهند، البته اگر از طرف اساتید مبرز باشد، جذابیت بیشتری خواهد داشت.

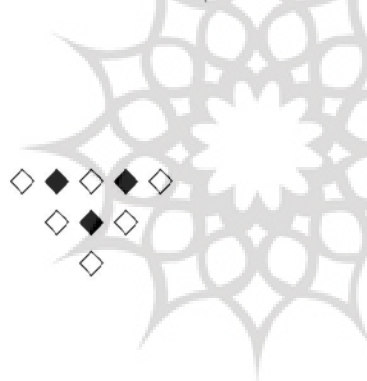
### تشکیل انجمن های مردمی و تعیین

### مسئولیت برای اعضا

مبارزه با بحران اعتیاد، مبارزه ممتدی است که همگان در آن وظیفه دارند و بی تفاوتی در این مبارزه، موجب تشدید آن شده و تشجیع سوداگران اعتیاد را در بر خواهد داشت. معتادان اگر عکس العمل و موضعگیری مردم را نبینند، رغبت زیادی پیدا خواهند کرد و راه را برای خود هموار می بینند و زمانی که به خود می آیند و به مضر بودن اعتیاد پی می برند، دوران

هد: از افراد ذی نفوذ و برخوردار از اصول فنی روان‌شناسی، استفاده به عمل آید. حداقل هر دو ماه یک بار، محافلی با موضوع مشخص شده و هدفدار در جای فرح‌بخشی تشکیل شود. نتایج این محفل در روزنامه یا هفته‌نامه‌ای در اختیار عموم قرار گیرد. البته انجمن در سطح شهر یا سطوح بالاتر می‌تواند درخواست یک روزنامه یا هفته‌نامه از وزارت ارشاد بنماید که از افراد صاحب قلم و نیک‌اندیش تقاضای مساعدت شود. و انجمن با تعیین وظایف قبلی، وارد عرصه فعالیت می‌شود و منحصرأ به اهداف تعیین شده می‌نگرد و در قضایای سیاسی و جناح‌بندیها دخالت نخواهد کرد، به همین خاطر است که به اعتقاد این حقیر، انجمن‌های دیگر، چنین رسالتی را بر عهده ندارند زیرا که فرصت لازم را در اختیار ندارند و آنها هم حیطة فعالیتشان مشخص است.

**وظایف**  
**انجمن نباید**  
**محدود به**  
**اعتیاد، آن**  
**هم نوع مورد**  
**بحث ما باشد،**  
**بهتر است**  
**گستره**  
**فعالیت آن**  
**در**  
**برگیرنده**  
**تمام جرمهای**  
**موجود در**  
**جامعه باشد.**



عمر به سر رسیده و افراد بی تفاوت در این رابطه شریک جرم هستند و اگر قرار است در قیامت بازخواستی در میان باشد که قطعی است، شامل اینها نیز خواهد شد.

هر طبقه‌ای از طبقات جامعه، در مقابل این قبیل اعمال ضد انسانی به اندازه توان و نفوذ در خاموش کردن این بحران، نقش دارند. ممکن است افراد به صورت پراکنده و ناهماهنگ به تنهایی به این امر خدایسندانه، اقبال کنند اما این اقدام به صورت فردی پسامان نخواهد بود و زمانیکه اقدامات در قالب دسته‌های مردمی صورت بگیرد، مثمر‌تر خواهد بود و اساساً روی حساب و سیستم منظمی به انجام خواهد رسید. اگر با این قضیه ناخوشایند، تشکیلاتی برخورد شود و کارها حساب شده انجام گیرد، بازتاب این کارها فراگیر خواهد شد.

این انجمن‌ها در راستای اهداف خیرخواهانه خود به این موارد عنایت فرمایند:

الف: این مشارکت چون ممکن است، طیف گسترده‌ای از طبقات مردم را در بر بگیرد و میزان فعالان زیاد باشند، بهتر است که از مساجد شروع شود، طرز کار اعضا هم در جلسات تعیین شود.

ب: هر کدام از اعضا ترجیحاً باید خوش نام، دارای سابقه درخشان، مجرب، قابل اعتماد، دارای حسن نیت و صفات پسندیده دیگر باشند.

ج: اگر مورد صلاح‌دید همه اعضا بود، صندوق مالی با مقاصد تعریف شده در جهت رسیدن به اهداف انجمن تشکیل شود.

د: البته وظایف انجمن نباید محدود به اعتیاد، آن هم نوع مورد بحث ما باشد، بهتر است گستره فعالیت آن در برگیرنده تمام جرمهای موجود در جامعه باشد، انجمن لازم است که از ابزارهای بازدارنده و هم‌وادرانده با تعاریف خاص خود استفاده کند.

#### پیاورشی:

- ۱- نشریه پیوند، انتشارات انجمن اولیا و مربیان شماره‌های ۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱، تابستان ۱۳۷۹.
- ۲- اصول و فنون مشاوره، استاد کشاورز - کرمانشاه ۱۳۷۲.
- ۳- سخنان شفاهی یکی از کارشناسان بهزیستی استان کردستان در همایش اقامه نماز سنندج، اسفند ماه ۱۳۷۹.
- ۴- مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین بلخی.
- ۵- دیوان پروین اعتصامی، چاپ هشتم.